

تحلیل عدم تمکین و پذیرش پرداخت مالیات از سوی مردم

علی باریکانی^۱

چکیده

مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای دولت از دیرباز در جامعه مطرح بوده و درآمدهای حاصل از آن صرف امور رفاهی، اجتماعی و اقتصادی مردم شده و می‌شود، اما متأسفانه عده‌ای از مردم از پرداخت مالیات سر باز می‌زنند و دلایل متعددی منجر به سرپیچی از قانون در پرداخت مالیات شده است: مانند تبعیض در دریافت مالیات، نامشهود بودن آثار درآمدهای مالیاتی در جامعه، عدم وجود شفافیت از محل خرج درآمدهای مالیاتی، وجود فرار مالیاتی گسترده از سوی عده‌ای و ... از همین‌رو انگیزه مردم برای پرداخت مالیات کاهش یافته است. اگر چنین روندی ادامه داشته باشد، دولت از محل درآمدهای مالیاتی دچار کسری بودجه شده و بخش‌های حیاتی مانند بخش بهداشت و درمان، بخش آموزش و پرورش، طرح‌های عمرانی و آبادانی کشور و ... تأمین منابع نخواهند شد و اقتصاد کشور تضعیف شده و وابستگی به سایر کشورها نتیجه خواهد شد. از همین‌رو راهکارهایی نظیر تشکیل بانک اطلاعاتی جامع و فراگیر از مؤدیان مالیاتی، تقویت ضمانت اجرای قوانین برای برخورد با متخلفان، توسعه فرهنگ مالیاتی در جامعه و افزایش شفاف‌سازی و چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی به‌منظور ایجاد انگیزه در جامعه برای تمکین و پذیرش پرداخت مالیات پیشنهاد می‌گردد.

واژگان کلیدی: درآمدهای مالیاتی، فرهنگ مالیاتی، فرار مالیاتی، عدم شفافیت در نظام مالیاتی.

مقدمه

پرداخت مالیات بسیار دارای اهمیت است و دولت از درآمدهای مالیاتی برای پروژه‌های زیرساختی و طرح‌های عمرانی در مسیر ایجاد رشد اقتصادی کشور استفاده می‌کند. در واقع مالیات به‌عنوان یکی از ابزارهای هدایت غیرمستقیم دولت از طریق تأثیر بر فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های توسعه اقتصادی و صنعتی نقش کلیدی ایفا نماید. تقریباً تمام کارشناسان بر این اعتقاد هستند که مالیات یکی از مطمئن‌ترین راه‌ها برای پیشرفت کشور

به‌شمار می‌آید. چراکه اتکا به درآمدهای نفتی و تداوم این رویکرد سبب ناپایداری در بهبود شاخص‌ها و نوسان در رشد اقتصادی خواهد شد به‌نحوی که نوسان در درآمدهای نفتی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد دولت، بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ها را با نااطمینانی مواجه می‌کند. از همین‌رو، بدون تردید مالیات و نظام مالیاتی نقش مؤثرتری در روند توسعه کشور دارند، اما نظام مالیاتی کشور با چالش‌های بسیاری روبه‌روست که باعث شده تقریباً تمام درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده محقق نگردد.

منجر به تضعیف فرهنگ مالیاتی و به دنبال آن عدم تمکین و پذیرش مردم برای پرداخت مالیات می‌شود، در شکل شماره (۱) ارائه شده است.

شکل ۱: دلایل عدم تمکین و پذیرش مردم در پرداخت مالیات



همان‌طور که در شکل شماره (۱) مشاهده می‌شود، دلایل بسیاری بر عدم وجود انگیزه برای پرداخت مالیات توسط مردم وجود دارد که در ادامه هر یک به تفصیل توضیح داده می‌شوند.

۱-۱. وجود تبعیض در اخذ مالیات

لازمه و شرط اول برای ترویج هر مقوله‌ای عدالت است. به عبارتی مردم جامعه باید مطمئن شوند که چارچوب قوانین مالیاتی برای همه در نظر گرفته شده است و به‌طور قطع نیز اجرا می‌شود و هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد جامعه وجود ندارد. در صورتی که چنین شرایطی وجود داشته باشد،

یکی از این چالش‌ها که محور گزارش حاضر نیز هست، عدم تمکین و پذیرش عامه مردم در پرداخت مالیات است. البته عوامل بسیاری منجر به چنین رویکردی در جامعه شده است. در این گزارش ضمن پرداختن به عوامل ایجادکننده عدم پذیرش مردم در پرداخت مالیات، پیامدها و تبعات امنیت اقتصادی وجود چنین فرهنگی در جامعه تبیین می‌شود. در نهایت نیز راهکارهایی در جهت افزایش انگیزه و فرهنگ مردمی برای پرداخت مالیات ارائه می‌شود.

۱. نگاه عامه مردم در پرداخت مالیات

فرهنگ مالیاتی متأثر از فرهنگ عمومی جامعه است. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته با نظام‌های مالیاتی پیشرفته، سخن از فرهنگ مالیاتی کمتر به میان می‌آید چراکه در این کشورها پرداخت مالیات به‌عنوان یک وظیفه یا اصل تردیدناپذیر پذیرفته شده است و برای این‌که مردم مالیات پرداخت کنند، نیازی به ترغیب و تشویق نیست. در این کشورها آثار و جلوه‌های پرداخت مالیات در زندگی شهروندان کاملاً مشهود است، همچنین راه‌ها و شیوه‌های فرار مالیاتی مسدود شده و هزینه ارتکاب به چنین جرائمی بسیار برای مردم سنگین است، اما در جوامع در حال توسعه مسئله نظام مالیاتی و پرداخت مالیات توسط شهروندان بدین صورت نیست و فرایندهای مرتبط با مالیات با دشواری‌ها و چالش‌های متعددی مواجه است و بنا به دلایلی فرهنگ مالیاتی در کشورهای در حال توسعه بسیار ضعیف است. برخی از مهم‌ترین عواملی که

اقتصادی محقق کنند. یکی از پیامدهای اخذ مالیات در جامعه ایجاد رفاه برای آحاد جامعه است. رفاه یعنی رسیدن به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، افزایش اشتغال، کاهش تورم و ایجاد تحولات ساختاری و اصلاحات در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر است که متأسفانه رفاه با این معنا در کشور در طول زمان نه تنها به طور کامل ایجاد نشده است، بلکه در بعضی موارد کاهش هم یافته است، مانند افزایش فقر، عدم اصلاحات ساختاری، تورم دائمی و ... در واقع همین دلایل منجر به این شده‌اند که بسیاری از مردم جامعه از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند. در نمودار شماره (۱) نرخ تورم و بیکاری به عنوان شاخص‌هایی از رفاه اجتماعی ارائه شده‌اند. همچنین در نمودار شماره (۲) درآمدهای مالیاتی دولت ارائه شده است.

حجم درآمدهای مالیاتی دولت حداقل باید دو برابر میزان محقق شده باشد که این فاصله درآمدهای مالیاتی محقق شده تا میزان مطلوب، حجم فرار مالیاتی و برخی معافیت‌های مالیاتی را نشان می‌دهد. دلایل بسیاری منجر به فرار مالیاتی می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه مالیات‌ستانی است که این موضوع منجر به بازتوزیع ناعادلانه ثروت در کشور شده است.

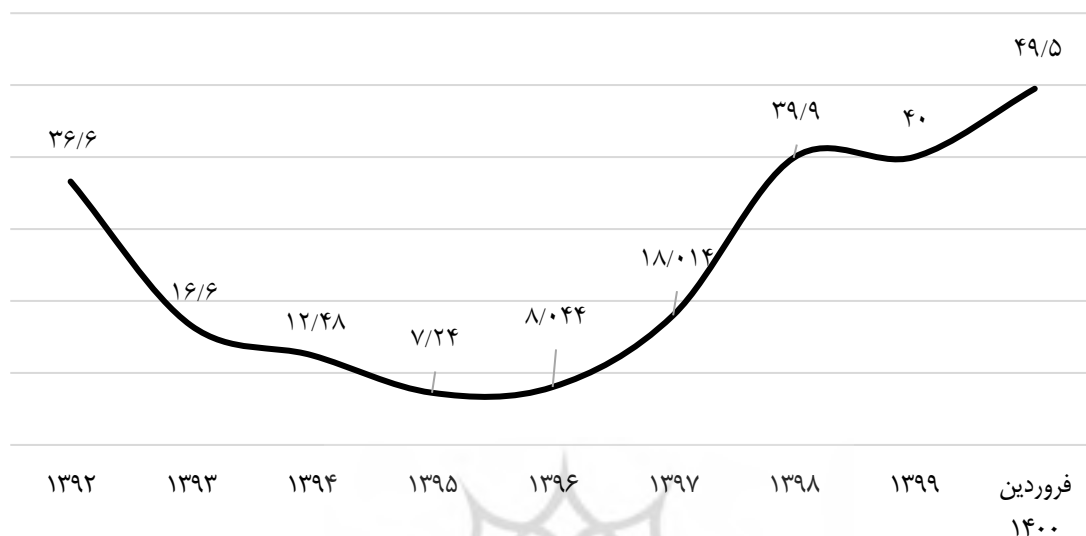
مردم خود را مطیع قانون می‌دانند و مالیات پرداخت می‌کنند، اما متأسفانه در کشور چنین شرایطی وجود ندارد و اخذ مالیات از مردم تبعیض‌آمیز است. به عنوان مثال در ایران برخلاف اغلب کشورهای دنیا، بیشترین مالیات از افراد حقوقی و تولیدکنندگان گرفته می‌شود، این در صورتی است که در کشورهایی همچون آمریکا، انگلستان، سوئد، دانمارک، فرانسه، آلمان و ترکیه بیشترین مالیات از افراد حقیقی گرفته می‌شود. به عنوان مثالی دیگر می‌توان بیان کرد که در ایران مشاغلی چون معلمان جزء کارمندان دولت محسوب شده و قبل از دریافت حقوق، مالیات از آن‌ها اخذ می‌گردد، اما در مقابل از مشاغلی مانند پزشکان، وکلا، طلافروشان، آهن‌فروشان و ... که درآمدهای بالایی در طول سال نسبت به معلمان دارند، مالیات واقعی اخذ نمی‌گردد. طبق قانون بودجه گروه حقوق و دستمزدی‌ها که شامل کارمندان دولت و معلمان و ... هستند؛ ۱۲ هزار میلیارد تومان مالیات می‌پردازند، اما گروه مشاغل در مجموع ۹ هزار میلیارد تومان مالیات پرداخت می‌کنند. مقایسه میزان دریافتی این دو گروه و مالیات پرداخت شده به خوبی نشان می‌دهد که سازوکار اخذ مالیات تبعیض‌آمیز است^۱.

۱-۲. نامشهود بودن آثار پرداخت مالیات

مالیات یک نوع هزینه اجتماعی است که شهروندان پرداخت می‌کنند تا دولت‌ها بتوانند وظایف مندرج در قانون اساسی را در جهت توسعه اجتماعی و

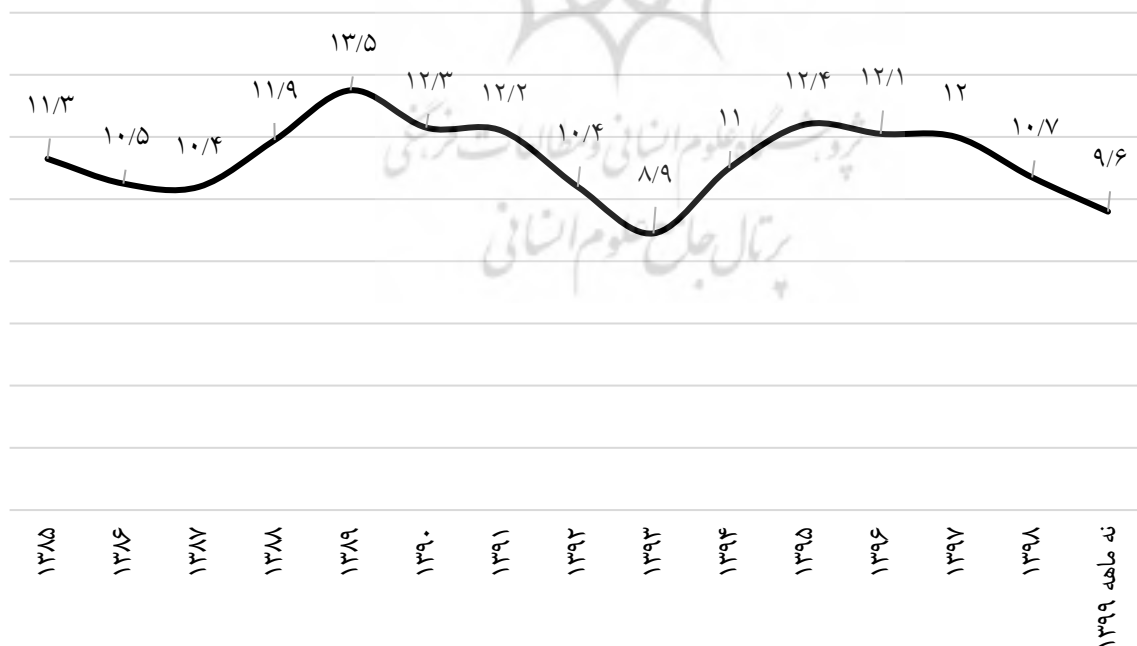
نمودار ۱: نرخ تورم و نرخ بیکاری به عنوان شاخص‌هایی از رفاه اجتماعی

الف) نرخ تورم



منبع: data.worldbank.org، مرکز آمار ایران

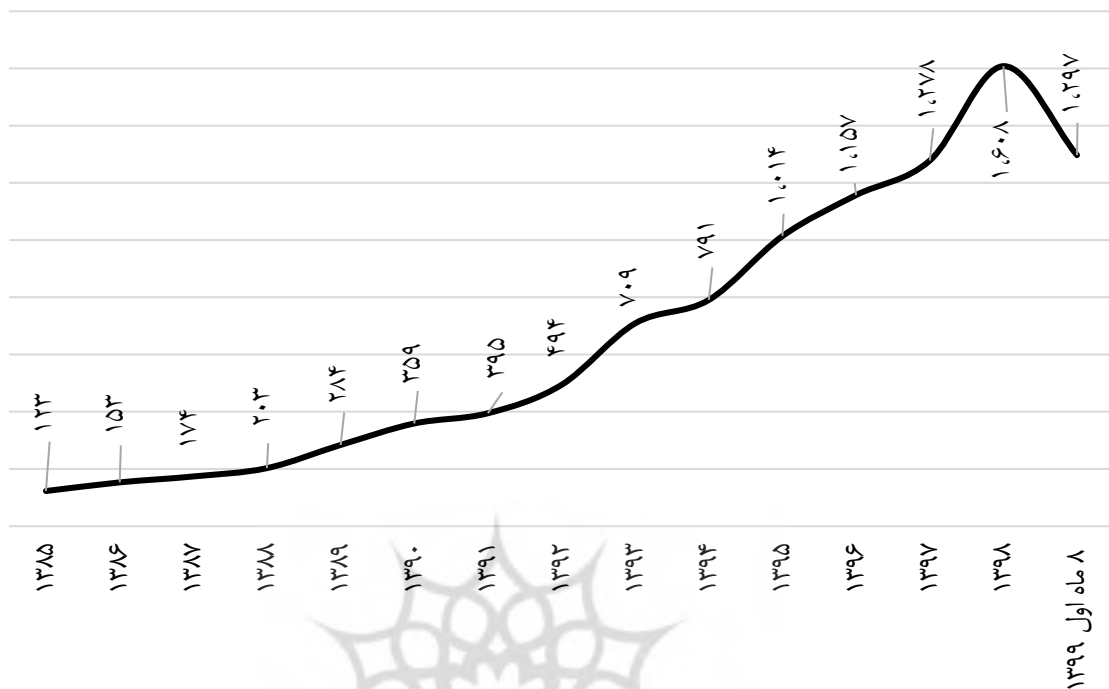
ب) نرخ بیکاری



منبع: مرکز آمار



نمودار ۲: درآمدهای مالیاتی (هزار میلیارد ریال)



منبع: گزارش‌های عملکرد مالی دولت و قوانین بودجه سنواتی / بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور بخش ۸، درآمدهای مالیاتی سال ۱۳۹۹

این فاصله درآمدهای مالیاتی محقق شده تا میزان مطلوب، حجم فرار مالیاتی و برخی معافیت‌های مالیاتی را نشان می‌دهد. دلایل بسیاری منجر به فرار مالیاتی می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عدم فرهنگ‌سازی عمومی در حوزه مالیات‌ستانی است که این موضوع منجر به بازتوزیع ناعادلانه ثروت در کشور شده است. به‌عنوان مثال اقدامات و پیگیری‌های سازمان امور مالیاتی برای اخذ مالیات از پزشکان به موفقیت نرسیده است و پزشکان به‌جای پیش‌قدم شدن در این موضوع اظهار می‌کنند که چرا سایر اقشار مالیات نمی‌دهند. به‌طور کلی سازمان امور مالیاتی از هر صنفی که می‌خواهد مالیات اخذ کند، با این دست استدلال‌ها مواجه می‌شود که حاکی از ضعف فرهنگی

همان‌طور که در نمودار شماره (۲) مشاهده می‌گردد درآمدهای مالیاتی در طول زمان سیر صعودی داشته و افزایش یافته است، اما مطابق نمودارهای شماره (۱) نرخ تورم افزایش و نرخ بیکاری با نوساناتی اندک تقریباً ثابت باقی مانده است. بررسی چنین شاخص‌هایی گواه این مدعاست که مردم آثار پرداخت مالیات را در جامعه نه‌تنها رؤیت نمی‌کنند بلکه شرایط رفاهی برای آن‌ها در بیشتر اوقات بدتر از گذشته نیز شده است. از همین‌رو انگیزه آن‌ها در تمکین و پرداخت مالیات کاهش یافته است.

۱-۳. وجود فرار مالیاتی گسترده

طبق بیانات برخی مسئولین، حجم درآمدهای مالیاتی دولت حداقل باید دو برابر میزان محقق شده باشد که

وجود ندارد، این تصور در آن‌ها به وجود آمده است که پرداخت مالیات توسط آن‌ها عادلانه نیست و در پی چنین تصوراتی عدم تمکین و پذیرش پرداخت مالیات میان عامه مردم در جامعه شکل گرفته است.^۱ نحوه هزینه‌کرد مالیات در کشور بسیار مهم است. متأسفانه بسیاری از مردم به این باور رسیده‌اند که اگر این منابع را حفظ کرده و خود هزینه کنند بهتر است تا این که آن را به دولت بدهند.^۲ نظام مالیاتی موجود در برخی سال‌ها بدون وجود هیچ‌گونه اطلاعاتی اقدام به اخذ مالیات نموده است و محل هزینه‌کرد این درآمدهای مالیاتی از شفافیت برخوردار نیست.^۳ عدم وجود شفافیت از چگونگی هزینه‌کردن درآمدهای مالیاتی که مردم آن را پرداخته‌اند با توجه به این که در سال‌های اخیر رفاه جامعه هم کاهش یافته است، انگیزه مردم در پرداخت مالیات را کاهش داده است.

۱-۶. اتکای بودجه به نفت به جای مالیات

اتکا بودجه به نفت به جای مالیات سبب شده تا مطالبات مردم هم از دولتی که به آن مالیات می‌دهند، بالا رود و این انتظار به وجود بیاید که مالیاتی که از مردم گرفته می‌شود باید خرج خود مردم شود.^۴ در واقع در کشورهای توسعه‌یافته درآمدهای مالیاتی بخش عظیمی از بودجه دولت را تشکیل می‌دهند و در برنامه‌ها و طرح‌های هر ساله دولت خرج می‌شوند، اما در ایران از آنجایی که بودجه دولت متکی به درآمدهای نفتی است تا درآمدهای مالیاتی،

در این حوزه است. به عبارتی وجود فرار مالیاتی گسترده در جامعه آن هم از سوی اقشار پردرآمد، انگیزه سایر مردم برای پرداخت مالیات را کاهش داده و آن‌ها هم از پرداخت مالیات سرباز می‌زنند.

۱-۴. عدم وجود مجازات سنگین برای فرار مالیاتی و معوقات مالیاتی

برخی از مردم با توجه به میزان حجم فرار مالیاتی موجود بیان می‌دارند که تا زمانی که این حجم فرار مالیاتی وجود دارد و هیچ‌گونه برخوردی با مجرمین صورت نمی‌گیرد، آن‌ها نیز مالیات نمی‌پردازند. در واقع وجود فرار مالیاتی و معوقات مالیاتی و عدم برخورد با عاملین آن‌ها به نوعی باعث ایجاد سواری مجانی برای افرادی شده که مالیات نمی‌پردازند و هزینه برخورداری آنان از امکانات رفاهی جامعه به سایر مردم که در پرداخت مالیات مشارکت دارند، تحمیل شده است. بدون تردید برای ایجاد چنین رفتاری، نقص و خلاءهایی در قوانین وجود دارد. مانند عدم وجود مجازات سنگین برای افرادی که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند و یا عدم وجود ضمانت اجرایی قوی برای قوانین موجود، در صورتی که با رصد حساب‌های مالی افراد می‌توان مؤدیان مالیاتی را به راحتی شناسایی نمود.

۱-۵. عدم وجود شفافیت از محل خرج درآمدهای مالیاتی

از آنجا که مردم از چگونگی خرج پرداخت‌های مالیاتی خود بی‌اطلاع هستند و شفافیتی در این زمینه

۱. مهدی طغیانی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس، ۱۳۹۹.

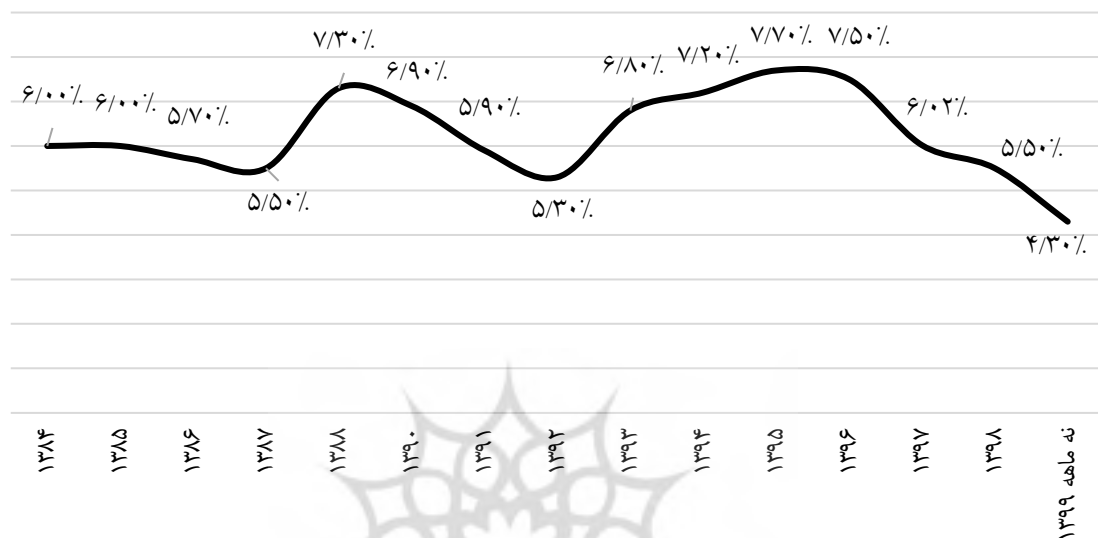
۲. مدیر گروه بانکداری اسلامی پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، ۱۳۹۵.

۳. علی طبینیا، وزیر امور اقتصاد و دارایی (سابق)، ۱۳۹۶.

۴. مهدی تقوی کارشناس حوزه اقتصادی، ۱۳۹۳.

مردم انتظار دارند تمام درآمدهای مالیاتی برای خود آن‌ها هزینه گردد. به‌منظور بررسی میزان سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی نمودار شماره (۳) ارائه شده است.

نمودار ۳: سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی



منبع: محاسبات پژوهش بر اساس آمار (GDP) بانک جهانی و آمار درآمد مالیاتی گزارشات مرکز پژوهش‌های مجلس.

است. البته دلیل چنین رخدادی به معوقات مالیاتی، فرار مالیاتی گسترده و عدم شناسایی مؤدیان مالیاتی بازمی‌گردد که عدم تمکین و پذیرش عامه مردم در پرداخت مالیات هم در سال‌های اخیر به این دلایل اضافه شده و در مجموع این عوامل در کنار یکدیگر منجر به کاهش رشد درآمدهای مالیاتی نسبت به رشد تولید ناخالص داخلی شده‌اند.

۲. ملاحظات امنیت اقتصادی

در کشورهای مختلف برای تأمین بودجه، برخی از مردم کشور مشمول پرداخت مالیات می‌شوند و منابع به‌دست آمده از این طریق برای آبادانی و بهره‌وری کشور مصرف می‌گردد. از همین رو پرداخت مالیات توسط مشمولین آن از ضروریات حرکت در مسیر توسعه

مطابق نمودار فوق، سهم درآمدهای مالیاتی از (GDP) از سال ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۷ روندی کاهشی داشته است. از سال ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۸ دارای جهش ۲ درصدی بوده و مجدداً از سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ روند کاهشی را در پی گرفته است. بررسی سهم درآمدهای مالیاتی از مخارج دولت هم نشان می‌دهد که از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۶ سهم درآمدهای مالیاتی از مخارج دولت افزایش داشته است، اما از سال ۱۳۹۶ به بعد روند سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی، سیر نزولی داشته است. از همین رو می‌توان اذعان داشت که درآمدهای مالیاتی تنها بخش کوچکی از مخارج دولت را پوشش می‌دهند. بنابراین، این ادعا که بیشتر تولید ناخالص داخلی کشور متکی به درآمدهای نفتی است تا درآمدهای مالیاتی، مطابق نمودار شماره (۳) قابل تأیید

نظام آموزش و پرورش را نمی‌توان به‌طور مطلوب گسترش و توسعه داد و از آنجایی که رسیدن به توسعه کشور در گرو توسعه سرمایه انسانی است، می‌توان گفت که با عدم پرداخت مالیات توسط مردم توسعه سرمایه انسانی و به‌دنبال آن توسعه کشور محقق نخواهند شد.

✓ ایجاد مشکل برای دولت در تأمین هزینه‌های

عمومی؛ از جمله دیگر تبعات عدم تمکین در پرداخت مالیات، ایجاد مشکل برای دولت در تأمین هزینه‌های عمومی مانند هزینه‌های اداری، اجرائی، اقتصادی، حقوق و دستمزد و ... می‌شود. در واقع عدم تحقق درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده منجر به کسری بودجه دولت و در نتیجه ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها می‌شود.

✓ گسترش فاصله طبقاتی؛ نتیجه دیگر عدم

تمکین پرداخت مالیات، ایجاد شکاف طبقاتی در جامعه است. افرادی که مالیات پرداخت نکرده‌اند نه تنها از امکانات رفاهی که در نتیجه پرداخت مالیات توسط دیگران بوده استفاده می‌کنند، بلکه به شکل غیرمنصفانه‌ای از دیگران پیشی می‌گیرند و شکاف طبقاتی افزایش می‌یابد.

✓ تضعیف رشد اقتصادی و برنامه‌های توسعه‌ای؛

عدم تأمین بودجه طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای منجر به عقب ماندن کشور در اجرای طرح‌های پیش‌بینی شده می‌شود. عدم حمایت از فعالیت‌های تولید را در پی دارد و در نتیجه تولید داخل تضعیف می‌گردد و منجر به وابستگی به سایر کشورها برای تأمین کالاها و اقلام ضروری خواهد شد.

کشور است، اما در این بین برخی از مردم بنا به دلایلی که در بخش قبل توضیح داده شد از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند و از همین رو درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده محقق نمی‌گردند. عدم تمکین و پذیرش مردم برای پرداخت مالیات تبعات بسیاری برای اقتصاد و امنیت اقتصادی کشور دارد که عبارتند از:

✓ آسیب به بخش بهداشت و سلامت جامعه؛ با

پرداخت مالیات توسط مردم، دولت می‌تواند بخشی از بودجه خدمات درمانی را تأمین نماید و در بخش‌های مراقبت‌های پزشکی، تحقیقات پزشکی و بخش تأمین اجتماعی سرمایه‌گذاری نموده و آن‌ها را توسعه بخشد، اما زمانی که بنا بر هر دلیلی مردم از پرداخت مالیات سرباز می‌زنند، بودجه مورد نیاز برای بخش بهداشت و درمان تأمین نشده و در مواقع اضطراری که نیاز شدید به خدمات درمانی وجود داشته باشد، بخش بهداشت و درمان قادر به پاسخ‌گویی به نیازهای مردم نخواهد بود و سلامت مردم به خطر خواهد می‌افتد، آشکارترین نمونه چنین اتفاقی زمان شیوع کرونا و ویروس بوده است که تخت‌های بیمارستانی پر شده و کمبود دارو و تجهیزات بیمارستانی در کشور مشاهده می‌شود.

✓ آسیب به بخش آموزش و پرورش؛ از دیگر

پیامدهای عدم تمکین و پرداخت مالیات توسط جامعه مردم، تضعیف نظام آموزش و پرورش است، چراکه بخشی از جامعه مورد هدف برای هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی، نظام آموزش و پرورش است. در صورتی که درآمدهای مالیاتی محقق نگردند؛

اتکای بودجه به درآمدهای نفتی نیز این انتظار را برای مردم ایجاد نموده است که تمام درآمدهای مالیاتی باید برای خود مردم هزینه گردد. از طرفی نامشخص بودن محل خرج درآمدهای مالیاتی و عدم وجود شفافیت در این حوزه نیز باعث شده است که مردم اعتمادی به دولت در پرداخت مالیات نداشته باشند. به عبارتی آنان احساس می‌کنند که درآمدهای مالیاتی به تاراج رفته و برای گسترش رفاه اجتماعی و سهولت زندگی آنان هزینه نمی‌گردد. عدم پرداخت مالیات توسط مردم به دلیل عدم تمکین و پذیرش آن اثرات و پیامدهایی برای اقتصاد و امنیت اقتصادی کشور به دنبال داشته است. آسیب به بخش بهداشت و درمان، آسیب به بخش آموزش و پرورش، عدم تأمین منابع مورد نیاز برای برنامه‌های توسعه‌ای و رفاهی، گسترش فاصله طبقاتی در جامعه و تضعیف رشد اقتصادی کشور از پیامدهای این موضوع هستند که در نهایت منجر به ضعف اقتصاد داخل و تضعیف امنیت اقتصادی مورد نیاز برای گسترش فعالیت اقتصادی در کشور می‌شوند. از همین رو راهکارهایی جهت حل این معضلات و ایجاد انگیزه در مردم برای پرداخت مالیات پیشنهاد می‌شود که به شرح زیر است:

- شفاف‌سازی در خصوص چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی: یکی از دلایلی که منجر به عدم تمکین عامه مردم در پرداخت مالیات شده است، عدم اطلاع آنان از چگونگی هزینه‌کرد درآمدهای مالیاتی است که با توجه به این که مالیات را مردم می‌پردازند، نیاز است که از نحوه استفاده از آن اطلاع داشته باشند. از همین رو پیشنهاد می‌گردد سامانه‌ای الکترونیکی طراحی گردد که نحوه و میزان هزینه‌کرد درآمدهای

عدم تمکین مردم در پرداخت مالیات نتایج و عواقب بسیار دیگری به دنبال دارد که در نتیجه تمامی این عوامل در کنار هم منجر به ضعف اقتصاد داخل و تضعیف امنیت اقتصادی مورد نیاز برای گسترش فعالیت اقتصادی در کشور می‌شود. از همین رو ضروری است راهکارهایی برای جلوگیری از عدم تمکین و پذیرش مردم در پرداخت مالیات ارائه شود که در بخش بعدی به این موضوع پرداخته شده است.

جمع‌بندی و راهکارهای پیشنهادی

درواقع دلایل متعددی برای عدم تمکین مردم برای پرداخت مالیات وجود دارد؛ مانند وجود تبعیض در اخذ مالیات؛ در ایران از کارمندان دولتی قبل از پرداخت حقوق مالیات کسر می‌گردد در صورتی که برای مشاغلی مانند پزشکان، تلافروشان، صنف آهن‌فروشی و ... سازوکار منظم و تضمین‌شده‌ای در اخذ مالیات وجود ندارد. نامشهود بودن آثار پرداخت مالیات در زندگی اجتماعی از دیگر دلایل است؛ به عنوان مثال مردم انتظار دارند با پرداخت مالیات رفاه آنان در قالب کاهش بیکاری، کاهش تورم و ... افزایش یابد، اما متأسفانه با بررسی میزان درآمدهای مالیاتی و شاخص‌های رفاهی قضیه عکس بوده است و با این که درآمدهای مالیاتی در طول زمان افزایش داشته اما شاخص‌های رفاهی بهبود نیافته‌اند. وجود فرار مالیاتی گسترده و عدم وجود مجازات سنگین برای افرادی که مالیات نمی‌پردازند هم منجر به کاهش انگیزه افراد برای پرداخت مالیات شده است.

پیشنهاد می‌گردد که قوه قضائیه در این زمینه ورود کند و با مؤدیان مالیاتی که به هر دلیلی مالیات نمی‌پردازند، برخورد قاطع و جدی داشته باشد. در صورتی که این اقدام صورت گیرد انگیزه مردم برای عدم پذیرش پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

- تشکیل بانک اطلاعاتی جامع و فراگیر از مؤدیان مالیاتی: بخشی از محقق نشدن درآمدهای مالیاتی به عدم شناسایی دقیق مؤدیان مالیاتی بازمی‌گردد. از همین رو پیشنهاد می‌گردد بانک اطلاعاتی جامعی از مؤدیان مالیاتی تشکیل گردد. از آنجایی که امروزه تقریباً تمامی تراکنش‌های مالی افراد، قابل ثبت و ضبط هستند، می‌توان این بانک اطلاعاتی را با همکاری بانک‌ها و مؤسسات مالی تقویت نمود و تراکنش‌های مالی افراد را به‌منظور شناسایی مؤدیان اصلی مالیاتی و میزان مالیاتی که باید پرداخت کنند، پیگیری نمود. تشکیل بانک اطلاعاتی مؤدیان مالیاتی صاحبان مشاغل و فعالان اقتصادی، تسریع و تسهیل در امر وصول مالیات، افزایش اعتماد و میزان مشارکت مؤدیان مالیاتی، جلوگیری از بروز تنش و برخوردهای احتمالی بین مؤدیان و مأموران مالیاتی و در نهایت تحقق عدالت مالیاتی و اجتماعی را به‌دنبال دارد.

منابع

- گزارش‌های عملکرد مالی دولت و قوانین بودجه سنواتی / بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور بخش ۸، درآمدهای مالیاتی سال ۱۳۹۹
- <https://www.mizan.news/fa/news/566116>
- data.worldbank.org
- <https://www.amar.org.ir>

مالیاتی در هر پروژه را به تفکیک و ریز جزئیات در اختیار عموم مردم قرار دهد.

- توسعه فرهنگ مالیاتی در جامعه: باتوجه به این‌که اراده و خواست مردم عمده‌ترین نقش را در اجرای قانون مالیات‌ها ایفا می‌کند، مؤثرترین عامل موفقیت در اجرای قوانین مالیاتی نیز همان فرهنگ مالیاتی جامعه است. فرهنگ مالیاتی دارای ماهیتی پویاست به این معنا که از وضعی ساده آغاز می‌گردد و به‌تدریج پیچیده می‌شود و راه تکامل را طی می‌کند. سیر فرهنگ مالیاتی مانند سایر نظام‌های فرهنگی است و باید به‌صورت مستمر و با برنامه‌ریزی این فرهنگ‌سازی صورت گیرد چرا که در مسیر فرهنگ‌سازی ممکن است با موانع طبیعی و یا اجتماعی روبه‌رو گردد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد گروه تحقیقاتی مسئول تدوین برنامه‌های فرهنگ‌سازی در قالب تبلیغات، جوایز و ... شده و از طریق رسانه، فضای مجازی و فضاهای عمومی مانند پارک‌ها، دانشگاه‌ها و حتی مدارس ابتدایی این فرهنگ‌سازی آغاز گردد.

- تقویت ضمانت اجرای قوانین برای برخورد با متخلفان: خوشبختانه قوانین تصویب شده در ایران در هر زمینه‌ای متنوع هستند و در زمینه عدم پرداخت مالیات [به هر دلیل]، قوانین بسیاری برای برخورد با متخلفین وجود دارد. در قانون مصوب سال ۱۳۹۴ که از ابتدای سال ۱۳۹۵ اجرایی شده است، اشخاصی که مالیات نمی‌پردازند در زمره مجرمین مالیاتی قرار دارند، اما متأسفانه ضمانت اجرایی قوانین در کشور پایین است و هر ساله شاهد فرار مالیاتی عظیمی در کشور هستیم و همین موضوع منجر به کاهش انگیزه سایرین برای پرداخت مالیات شده است. از همین رو

